

رویکردهای جهانی به حضور ساختارهای جدید در زمینه تاریخی

(بررسی نظریه‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی)*

International Approaches to New Constructions in Historic Context
(Study of Theories and International Agreements)

حامد مظاهریان^۱، یلدا شاه‌تیموری^۲

چکیده

اگرچه حفاظت به عنوان گام اول در امر احیاء شناخته می‌شود، اما بسیاری از بناها و مناطق تاریخی همزمان با حفاظت نیازمند توسعه نیز می‌باشند؛ در واقع توسعه و حضور ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی می‌تواند سبب تداوم تاریخ و غنائی یافتن محیط‌های تاریخی گردد. اما آنچه که در این میان مهم می‌باشد نیاز به تدوین دستورالعمل‌هایی جامع پیرامون طراحی این‌گونه ساختارهای جدید است. در این راستا و پیش از هر چیز، توجه و در نظر گرفتن اصول پذیرفته‌شده‌ی جهانی در این حوزه، ضرورت دارد. امروزه با گذشت حدود دو قرن از آغاز جنبش حفاظت از ثروت‌های فرهنگی- تاریخی با مجموعه‌ای از منشورها، قطعنامه‌ها و توصیه‌های جهانی در زمینه‌ی مواجهه با میراث گذشتگان روبرو هستیم که حاصل تجارب بدست آمده از رویکردهای گوناگون در این حوزه و در کشورهای مختلف جهان می‌باشند.

هدف از مقاله‌ی پیش‌رو، بررسی ایده‌ها و نظریه‌ها، توافق‌نامه‌ها و منشورهای مرتبط با حضور ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی، جهت استفاده از آنها به منظور دستیابی به رهنمودهای طراحی ساختارهای جدید در زمینه تاریخی می‌باشد؛ از این‌رو در ابتدا به بررسی تئوری نظریه‌پردازانی پرداخته می‌شود که تأثیر بیشتری بر رویکردهای پس از خود داشته و زمینه‌ساز تدوین اصول بین‌المللی گشته‌اند؛ سپس در پی آن مفاد توافق‌نامه‌های بین‌المللی که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به این حوزه اشاره داشته و توانسته‌اند اصولی کلیدی را در این خصوص ارائه دهند، بیان می‌شود. در انتها با تنظیم جدولی براساس رویکرد هر یک از توافق‌نامه‌های مورد بررسی، به روند تکاملی این نگرش‌ها در مقیاس بین‌المللی پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ساختار جدید، زمینه تاریخی، رویکرد، نظریه پرداز، توافق‌نامه، معماری، توسعه

E-mail: Mazaheri@ut.ac.ir

۱. استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران- نویسنده مسئول

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری (گرایش مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی)، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران:

E-mail: yalda.shahtemori@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از حوزه‌های مرتبط با حفاظت از میراث فرهنگی، احداث ساختارهای جدید^۱ در زمینه‌های تاریخی است. "احیای بسیاری از بناها و مناطق تاریخی هم نیازمند حفاظت می‌باشد و هم نیازمند توسعه^۲؛ حفاظت و سازگاری بناهای قدیمی به سبب ارزش تاریخی و فرهنگی آنها، و مقارن با آن تخریب بخش‌هایی که از کارآیی و انعطاف‌پذیری کاربری بنا می‌کاهند، و در عین حال ساخت بخش‌های جدیدی جهت تأمین فضاهای قابل استفاده و انطباق‌پذیر برای مصارف بیشتر" (Warren, Worthington, Taylor, 1998). ساختارهای جدید که بیانگر تاریخ هنر و معماری دوره خود می‌باشند، به منزله پویایی و حیات یک شهر زنده در شهرها جلوه می‌کنند و مخالفت با احداث ساختارهای جدید در زمینه تاریخی، در واقع توقف حیات شهر و یا سوق پویایی آن به سمت ایستایی به‌شمار می‌رود (قدیری، ۱۳۸۵).

«زمینه تاریخی» دارای مقیاس‌های متفاوتی است و می‌تواند از طرح‌های کلان شهری در بافت تاریخی یک شهر تا مداخلات کوچک معماری در یک بنای تاریخی را شامل شود. گسترش^۳‌های درشت مقیاس در مجاورت مناطق تاریخی، طرح‌های تجمیع^۴ در بافت‌های تاریخی، حضور بنایی جدید در قطعات خالی و یا به عنوان جایگزینی برای بناهای موجود در بافت‌های تاریخی^۵، احداث بناهایی در مجاورت و حریم بناهای تاریخی، یا در مقیاس دید خردتر، الحاق^۶ به بنای تاریخی (در جهت توسعه بنای تاریخی به عنوان فضایی جهت رفع نیازهای کالبدی جدید آن) همگی نمونه‌هایی از مداخلات معمارانه جهت حضور ساختارهای جدید در زمینه تاریخی می‌باشند.

در اینجاست که نیاز به دستورالعمل‌هایی جامع پیرامون طراحی این‌گونه ساختارهای جدید، که ضمن حفظ ارزش‌های موجود و ارتباط با گذشته بیان‌کننده روح زمان خود نیز باشند، نمود می‌یابد. در این راستا و پیش از هر چیز، در نظر گرفتن اصول پذیرفته‌شده جهانی، در این حوزه ضرورت دارد.

در دوره معاصر کوشش‌های زیادی در جهان و علی‌الخصوص در اروپای مرکزی برای تدوین اصولی جامع و علمی جهت حفاظت از شهرها و ابنیه تاریخی انجام شده است. فعالیت‌های سازمان‌های ملی و بین‌المللی متمرکز بر روی حفاظت منابع تاریخی را می‌توان ادامه راه تئوری‌ها و نظریه‌هایی دانست که در قرن نوزدهم و با تئوری‌های ویوله لودوک و جان راسکین، دو نظریه‌پرداز پیشگام در

حفاظت تاریخی در قرن نوزدهم شروع شدند. نظریه‌پردازان دیگری همچون کامیلو بویی‌تو، کامیلو سیت، لوکا بلترامی و گوستاو جیووانونی از جمله افرادی هستند که توانستند نقش مهمی را در این راستا ایفا کرده و ذهن‌ها را برای پذیرش این گونه اسناد بین‌المللی فراهم کنند.

این‌گونه توافق‌نامه‌ها شامل راهکارها و راه‌حلهایی هستند که حاصل تبادل افکار و عقاید در زمینه‌ی حفاظت و نگهداری میراث جهانی بوده و در نشست‌های تخصصی مطرح شده‌اند. مطمئناً عدم آگاهی یا بی‌توجهی به توافق‌نامه‌های جهانی، می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره آثار تاریخی در جوامع بشری وارد آورد. اگرچه در سال‌های اخیر به این گونه توافق‌نامه‌های بین‌المللی در حوزه‌های مختلف پرداخته شده است اما غالباً نگاه آنها مواردی غیر از تمرکز بر حوزه «حضور ساختارهای جدید در زمینه تاریخی» بوده است، به گونه‌ای که تلاشی جدی به منظور راهگشایی در این مسئله با توجه به رویکردهای جهانی صورت نگرفته است.

از این‌رو هدف از این مقاله بررسی ایده‌ها و نظریه‌ها، توافق‌نامه‌ها و منشورهای مرتبط با حضور ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی، جهت استفاده از آنها به منظور دستیابی به رهنمودهای طراحی ساختارهای جدید در زمینه تاریخی است؛ بنابراین در ابتدا به بررسی تئوری نظریه‌پردازانی می‌پردازد که تأثیر بیشتری بر رویکردهای پس از خود داشته و زمینه‌ساز تدوین اصول بین‌المللی گشته‌اند؛ سپس در پی آن مفاد توافق‌نامه‌های بین‌المللی بیان می‌شود که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به این حوزه اشاره داشته و توانسته‌اند اصولی کلیدی را در این خصوص ارائه دهند.

۲. نظریه‌پردازان بین‌المللی

تا قبل از تدوین دکتروین‌های مرمت که سابقه آن به اواخر قرن نوزدهم میلادی بازمی‌گردد، به علت تغییرات کم در هنجارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، به جهت‌گیری‌های مشخصی در باب نحوه احداث ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی بر نمی‌خوریم (قدیری، ۱۳۸۵)؛ بنابراین پیش از همه، باید به نقطه عطف اصلی که منشاء گرفته از فرهنگ اروپای مرکزی- اروپای غربی است، توجه کنیم. در این بین اگر به دنبال شناخت کسانی باشیم که در زندگی خود بیش‌تر به کار مرمت معماری پرداخته‌اند و بیش از دیگران تئوری و تجربه ارائه داده‌اند؛ به نام‌هایی می‌رسیم که توانستند دورانی که از اواسط قرن نوزدهم تا

نخستین دهه‌های قرن بیستم میلادی می‌باشد و در واقع با تدوین منشورها و قطعنامه‌هایی در کنگره‌های بین‌المللی به پایان رسید را پر ثمر کنند (فلامکی، ۱۳۸۶).

چنانچه نظریه‌پردازان را بر حسب تقدم تاریخی آنها مورد شناسایی قرار دهیم، پیش از همه به نام **اوژن ویوله لودوک**^۷، معمار فرانسوی، برمی‌خوریم. وی که از پیشروهای مرمت سبکی است، هدف از مداخله خود را یکپارچه کردن بنا و قرار دادن آن در سبکی مشخص بیان می‌کند؛ لذا جهت بازگرداندن بنا به شکل اصلی آن، تمامی بخش‌هایی که پس از زمان ساخت اولیه آن الحاق شده‌اند را حذف و بخش‌های تخریب شده یا ناتمام مانده را به صورت کالبدی اولیه آن (آنگونه که باید می‌بوده است) تکمیل می‌کند.

لودوک بیان می‌کند که مرمت یک بنا، نگهداری، تعمیر یا دوباره‌سازی آن نیست، بلکه دوباره برقرار کردن آن در یک وضعیت کامل است که هرگز نمی‌تواند در هیچ زمانی وجود داشته باشد (Guzmán Torres, Zasha N, 2009). این جا است که مسئله‌ی اصالت و صحت تصمیم‌های مرمت‌کننده مطرح می‌شود. آنچه عملاً از مرمت‌های معماری ویوله لودوک و دستورهای او به جا مانده عبارت از آثاری است که بخش‌های الحاقی کهنسال آنها از بین رفته و در عوض، بازسازی‌هایی تزئینی صورت گرفته‌اند که نه اصالت واقعی زمان و فکر معمار خود را دارند و نه دربرگیرنده فرهنگ زمان مرمتشان هستند.

در مقابل نگاه افراطی لودوک به مداخلات تکمیلی در بنا، نگاه افراطی و محافظه‌کارانه **جان راسکین**^۸ قرار دارد. "با محکوم کردن مرمت‌های صورت گرفته توسط وی، در زبان انگلیسی واژه‌ی مرمت^۹، بار معنایی منفی پیدا کرد و به همین دلیل، با گذر زمان، واژه حفاظت^{۱۰}، جای آن را گرفت" (یوکیلتو، ۱۹۹۹، ۱۹۱). وی که از سردمداران «جنبش حفاظت^{۱۱}» است^{۱۲}، بیان می‌کند که تا حد امکان می‌بایست از هرگونه دخالت در وضعیت بنای تاریخی، حتی به منظور حذف بخش‌های ناهماهنگ یا اضافه کردن بخش‌های تازه و استحکام بخشیدن به قسمت‌های ناپایدار و خطرناک، جلوگیری کرد. آنچه در تفکر راسکین مشهود است، توجه به سندیت بنا و سرنوشت آن و در عین حال تسلیم و سرسپردگی به طبیعت و پدیده‌های فرساینده آن و عدم هرگونه دخالت در وضعیت موجود بنا می‌باشد^{۱۳}.

در قرن بیستم **کامیلو بویی‌تو**^{۱۴} محقق و معمار ایتالیایی، تفکر جدید مرمت شهری را پایه‌گذاری کرد؛ از این رو وی را

پدر مرمت شهری جدید می‌نامند. وی اولین شخصیتی است که توانست توجه به مفاهیم معماری در باززنده‌سازی را جایگزین تبعیت از ویژگی‌های شکلی-سبکی در بناهای مورد مداخله نماید (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶). "اصول وی که در قالب هشت نکته و به صورت یک توصیه‌نامه توسط وزارت آموزش تصویب شد، نخستین منشور مدون ایتالیایی و مرجع اصلی برای مکتب معروف به «مرمت فیلولوژیک^{۱۵}» بود"^{۱۶} (یوکیلتو، ۱۹۹۹، ۲۲۳). نظرات بویی‌تو در آن دوره آنچنان اهمیت یافتند که کنگره ۱۹۳۱ آن دربار مرمت که منجر به تدوین اولین بیانیه جهانی مربوط به مرمت گشت، منعکس‌کننده بسیاری از افکار وی بود. بویی‌تو درخصوص نحوه مداخله در بناها و بافت‌های تاریخی ایجاد تمایز میان سبک قدیم بکاررفته در بنا و سبک جدید در مداخله صورت گرفته و همچنین ایجاد تفاوت میان مصالح قدیمی بنا و مصالح جدید بکاررفته را توصیه می‌کند. عدم بکاربردن سطوح تزئینی در بخش‌های جدید بناهای مورد مداخله و ایجاد نمایشگاه یا موزه‌ای داخل یا نزدیک بنای مرمت شده که دربرگیرنده عناصر، بخش‌ها یا تکه‌های بنای قدیمی که حین بازسازی‌های یک بخش دوباره به کار گرفته نشده‌اند باشد؛ از دیگر نکات پیشنهادی وی است.

از دیگر افراد تأثیرگذار در این حوزه **کامیلو سیت**^{۱۷}، معمار اتریشی، است. وی در نظریات خود از نگاه نظریه‌پردازان پیش از خود فراتر رفته و با دیدی وسیع‌تر به سلسله مراتب فضایی و مقیاس بنا، مجموعه یا بافت شهری و یافتن القای امروزی از طریق بررسی بافت‌های قدیمی، اشاره می‌کند. وی بیان می‌کند که "ارزش هر بنا به محیط اطراف آن بستگی دارد. موضوع اصلی در این نظریه روابط فضایی موجود بین بنا و محیط آن می‌باشد، نه روابط کاربردی بناها و فضاهای تپی مجاورشان" (فلامکی، ۱۳۸۶، ۲۳ و ۲۲). در خصوص طراحی فضاهای جدید، سیت ویژگی‌هایی را راه‌گشا می‌داند که با مطالعه بر روی میدان‌ها، فضاهای باز عمومی شهرها و اندام شهرهای قدیمی، می‌توانند راهنمای طراحان معماری و شهرهای جدید باشند. همان‌طور که پیش از این لودوک اعتقاد به تکمیل بنا به صورت اولیه کالبدی آن داشت؛ **لوکا بلترامی**^{۱۹} معمار و نقاش ایتالیایی، که "به منزله نخستین معمار مرمت‌گر مدرن در ایتالیا شمرده می‌شود" (یوکیلتو، ۱۹۹۹، ۲۲۷)، معتقد به بازسازی اصیل بنا به شکل اولیه آن بود. بازگشت به گذشته و برگرداندن شکل بنا به صورت اولیه‌اش، هدف مشترکی است که «لودوک» و «بلترامی» هر دو در پی آن بوده‌اند، اما تفاوت بزرگی که بین راه‌های پیشنهادی این دو برای

رسیدن به مقصود وجود دارد، آنان را در مسیر تفکر مرمت معماری، در دو نقطه مقابل هم جای می‌دهد.

«مرمت تاریخی^{۲۰}» عنوان روش پیشنهادی بلترامی است که در آن استناد به مدارک و شواهد تاریخی به منظور بازگشت دادن شکل بنا به صورت اولیه آن، خواه بعد از خراب شدن و فرو ریختن بناها در اثر جنگ یا زلزله و خواه پس از گذشت زمان و تأثیرات ناشی از فرسودگی یا آفت و آسیب‌پذیری بنا و غیره... مبدأ بررسی و شرط اتخاذ هر تصمیم به شمار می‌آید؛ شکل‌گیری مجدد بنا نیز دقیقاً با پیروی از نقشه‌های به دست آمده، یعنی برابر با شکل و ترکیب اولیه‌ی بنا خواهد بود (فلامکی، ۱۳۸۶). به طور کلی می‌توان دستورالعمل‌های بلترامی را به صورت بازسازی عناصر، بناها و فضاها مطابق آنچه در گذشته بوده است و ساخت‌وساز جدید بر مبنای اصول کهن بیان کرد.

اولین فردی که نظریات مدون خود را در مورد ساختارهای جدید مطرح می‌سازد، **گوستاو جیوانونی^{۲۱}** است. وی که از معماران و نظریه‌پردازان ایتالیایی است، در آموزه‌ها و نوشته‌هایش، اصول حفاظت مدرن ایتالیا را تحکیم بخشید و ضمن تأکید بر دیدگاه علمی انتقادی، شالوده «مرمت علمی^{۲۲}» را بنیان نهاد. "دیدگاه او درباره مرمت، از نظریه‌پردازان پیشین ایتالیایی متمایز بود، وی مرمت را نوعی مقوله فرهنگی مرتبط با ارزیابی و توان‌بخشی بناهای تاریخی با رعایت بافت تمامی دوران با اهمیت، به‌جای بازسازی آنها به فرم ایده‌آل می‌دانست. از این رو جیوانونی نظریه ویوله لودوک را «ضد علمی» و مسبب تحریفات و مداخلات دل‌خواهی می‌پنداشت"^{۲۳} (یوکیلتو، ۱۹۹۹، ۲۴۴).

جیوانونی به معماری مدرن عقیده نداشت و آن را فاقد سبک می‌دانست و بیان می‌کرد: حق نداریم در کنار یک بنای تاریخی، بنای امروزی مدرن بسازیم؛ زیرا در این صورت به سبک ساختمان باستانی اهانت کرده‌ایم. راه‌حل او این بود که می‌توانیم در کنار یک معماری باستانی، ساختمانی بسازیم و یا قسمتی از یک ساختمان را که ویران و نابود شده است، تکمیل کنیم؛ منتهی باید سبک آن بنای باستانی را اخذ کرده و بعد آن را به صورت هرچه ساده‌تر، خلاصه کنیم. باید بنای خود را به صورت شماتیک به‌وجود آوریم و در هر حال، این بنای تازه باید به گونه‌ای باشد که سبک جدیدی را پدید نیاورد و لازم است فاقد تزئینات و تمام اجزای آن به نحو شماتیک و خلاصه باشد. ما باید بنایی نوتر یعنی خنثی و فاقد سبک به‌وجود آوریم (قدیری، ۱۳۸۵). از آنجا که نظریه جیوانونی، معماری معاصر را نادیده می‌گیرد، با انتقادات و مخالفت‌های زیادی روبه‌روست ولی در مجموع با توجه به

جهت‌گیری‌های او در باب محیط معماری و بافت اطراف بناها، زمینه‌ساز بسیاری از مباحث بعدی شده است.

۳. توافق‌نامه‌های بین‌المللی

زبان‌های هنگفت جانی و مادی، محرک کوشش‌هایی در عرصه سیاست بین‌المللی برای ایجاد چارچوبی شد که بتواند پیش از تبدیل مناقشات بالقوه به کشمکش علنی، از آنها پیشگیری کند. با همین زمینه فکری بود که در سال ۱۹۴۵، اتحادیه ملل سابق به صورت سازمان ملل متحد تجدید سازمان یافت. کمیته بین‌المللی همکاری‌های فکری نیز جای خود را به «سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد»- یونسکو^{۲۴} داد و «اداره موزه‌های بین‌المللی» در سال ۱۹۴۶ به «انجمن بین‌المللی موزه‌ها»- ایکوم^{۲۵} بدل شد. در سال ۱۹۵۶ مجمع عمومی یونسکو در دهلی‌نو، پیشنهاد تأسیس «مرکز بین‌المللی مطالعه، حفظ، نگهداری و مرمت دارایی‌های فرهنگی»- ایکروم^{۲۵} را تصویب کرد که مقر آن در رم بود. سرانجام در سال ۱۹۶۵ نشست افتتاحی «انجمن بین‌المللی یادمان‌ها و محوطه‌ها»- ایکوموس^{۲۶} در ورشو و کراکو تشکیل شد که آخرین عضو مجموعه سازمان‌های بین‌المللی مسئول میراث فرهنگی در سطح جهانی شمرده می‌شود. سازمان‌های منطقه‌ای مانند شورای اروپا (تأسیس ۱۹۴۹) و سایر نهادهای دولتی و غیردولتی در سرتاسر جهان را نیز باید به این گروه افزود (یوکیلتو، ۱۹۹۹).

یکی از وظایف مهم یونسکو، تدوین میثاق و توصیه‌نامه‌هایی به عنوان مرجع بین‌المللی برای وضع قوانین حفاظت، کاربرد عملی آنها و عملکرد در سطح ملی است. بدیهی است که این گونه توصیه‌نامه‌های بین‌المللی صرفاً به اصول کلی می‌پردازند و باید متناسب با استانداردها و معیارهای ملی به درستی تفسیر شوند. یونسکو در میان ابتکارات متعدد خود، در سال‌های پایانی قرن بیستم به‌واسطه افزایش حساسیت‌ها در قبال اقلیت‌های فرهنگی و تنوع فرهنگی، اقدام به همکاری با سازمان ملل جهت تشکیل کمیسیون جهانی توسعه و فرهنگ نموده است که در سال ۱۹۹۵ موجودیت خود را اعلام کرد.

آنچه در زیر می‌آید مشتمل بر رویکردهای جهانی به حضور ساختارهای جدید در زمینه تاریخی است؛ که در قالب توافق‌نامه‌های بین‌المللی به صورت‌های عهدنامه^{۲۷}، توصیه-نامه^{۲۸}، منشور^{۲۹} و قطعنامه^{۳۰}، به ترتیب سال تصویب خود به آنها اشاره می‌شود.

۳-۱. منشور آتن، مصوب اولین کنفرانس بین‌المللی

معماران و کاردانان فنی یادمان‌های تاریخی^{۳۱} (۱۹۳۱)

با وجود آن که بیش از ۸۰ سال از تصویب منشور آن گذشته است، هم چنان اکثر نکات آن منشور مورد قبول متخصصان است.

• یکی از مهم‌ترین مواد آیین‌نامه آن ماده هشتم آن است که بر طبق عقاید جوانونی، تدوین شده (قدیری، ۱۳۸۵) و ذکر می‌کند که اگر قرار باشد در یک محیط باستانی، بنایی به‌وجود آوریم باید نکات پیشنهادی زیر را در نظر بگیریم:

- به سبک ساختمان‌های اطراف احترام بگذاریم؛

- حجم بناهای مجاور را در نظر بگیریم؛

- رنگ و نمای بناها را مورد توجه قرار دهیم؛

- بنایی را که به‌وجود می‌آوریم، باید خنثی یا فاقد جاذبه-ای خاص باشد، از طرفی نباید حجم آن به‌گونه‌ای باشد که تناسب بناهای باستانی مجاور را تحت‌الشعاع قرار دهد و از نظر رنگ و فرم بر ساختمان‌های اطراف تأثیر بگذارد.

• کنفرانس در بخش «ساماندهی زیبایی‌شناختی یادمان‌های باستانی» توصیه می‌کند که «هنگام ساخت بناها، خصوصیت و سیمای ظاهری شهرهایی که این بناها قرار است در آنجا بر پا شوند، رعایت شود؛ خصوصاً در همسایگی یادمان‌های باستانی، که باید توجه خاصی به محیط اطراف آنها کرد. حتی از بعضی مجموعه‌ها و بعضی دورنماهای تماشایی باید مراقبت کرد»^{۳۲}.

• همچنین در ماده ۷۰ خود بیان می‌کند: «به کاربردن سبک‌های گذشته در ساختمان‌های جدید واقع در محوطه-های تاریخی به اتکای ادعاهای زیبایی‌شناسانه، به عواقب نامیمونی منجر می‌شود. کاربست سبک‌های گذشته با آموزش بزرگ تاریخ مغایرت دارد. هیچ‌گاه بازگشت به گذشته به وقوع نپیوسته و هیچ‌گاه انسان از راهی که رفته بازنگشته است. شاهکارهای گذشته به ما نشان می‌دهند که چگونه هر نسلی طریقه‌ی ویژه‌ی تفکر خود، اندیشه‌های خود و زیبایی‌شناسی خود را داشته و به مثابه انگیزه‌ای برای خلاقیت آزاد، به مجموعه منابع فنی ویژه دوره خود توجه کرده است. تقلید عاجزانه گذشته همان تن در دادن به دروغ بوده و به معنای بالا بردن «بدل» تا حد «اصل» است، چون هیچ‌گاه نمی‌توان شرایط کهن کار را تجدید کرد. با یکی کردن «بدل» با «اصل»، و با سعی در مسیر داشتن احساس خلوص سبک نمی‌توان به وحدت دست یافت؛ همچنین از این طریق به چیزی جز یک بازسازی تصنعی، و بی‌ارزش کردن همان شواهد اصیل که دفاع و حفاظتشان مورد نظر است، نمی‌توان دست یافت» (صمدی رندی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲ و ۱۷۳).

۲-۳. توصیه‌نامه حفظ و حراست زیبایی و ویژگی

چشم‌اندازها و محوطه‌ها^{۳۳} (۱۹۶۲)

• در بخش هفتم از اصول کلی خود ذکر می‌کند «هدف اقدامات پیش‌گیری‌کننده باید حفاظت از محوطه‌ها در مقابل خطراتی باشد که ممکن است آنها را تهدید کند. این اقدامات باید به‌خصوص شامل نظارت و سرپرستی فعالیت‌هایی باشد که احتمالاً به چشم‌اندازها و محوطه‌ها آسیب می‌رسانند، مانند ساخت انواع ساختمان‌های عمومی و خصوصی؛ طراحی این ساختمان‌ها باید به گونه‌ای باشد که مقتضیات زیبایی‌شناختی خود ساختمان را رعایت کند و درعین حال که از تقلید سرسری فرم‌های سنتی و تماشایی پرهیز می‌کند، باید با فضای عمومی اطراف ساختمان که حفظ آن را ارزشمند می‌دانیم، در هماهنگی کامل باشد» (UNESCO, 1962)^{۳۴}.

۳-۳. منشور بین‌المللی حفاظت و مرمت یادمان‌ها

و محوطه‌ها- منشور ونیز^{۳۵} (۱۹۶۴)

• این منشور در ماده ششم خود در بخش حفاظت بیان می‌کند که «حفظ یک یادمان به مراقبت از جایگاه قرارگیری آن اشاره دارد که نباید نامناسب و بدقواره باشد. چنانچه جایگاه قرارگیری سنتی هنوز وجود دارد باید حفظ شود. هیچ نوع ساخت‌وساز، تخریب یا جرح و تعدیل که رابطه‌های بین جرم و رنگ را دگرگون کند نباید مجاز شمرده شود» (ICOMOS, 1964)^{۳۶}.

• همچنین ماده‌ی ۱۳ در بخش مرمت متذکر می‌شود «الحاقت به بنا تنها در صورتی مجاز است که صدمه‌ای به قسمت‌های جالب توجه آن، فضای سنتی، تعادل اجزا و رابطه آن با محیط اطرافش به وجود نیارد» (Ibid)^{۳۷}.

۳-۴. توصیه‌نامه حفاظت از دارایی‌های فرهنگی که

از سوی فعالیت‌های عمومی و خصوصی در معرض خطر

قرار گرفته‌اند^{۳۸} (۱۹۶۸)

• بخش ۲۴ از راهکارهای حفظ و نگهداری دارایی‌های فرهنگی این توصیه‌نامه بیان می‌کند که «محل‌های تاریخی در مراکز شهری و روستایی و مجموعه ساختارهای سنتی می‌بایستی تفکیک و منطقه‌بندی شوند. همچنین ضوابط مربوط به حفظ و نگهداری ویژگی و محیط اطراف آنها می‌بایستی تعیین گردد. این ضوابط شامل اعمال نظارت بر اندازه و نحوه نوسازی ساختارهای مهم هنری و تاریخی و طرح ساختارهای جدیدی می‌شود که ارایه می‌گردد» (UNESCO, 1968)^{۳۹}.

• همچنین در بخش هشتم از اصول کلی خود توصیه می‌کند که «هدف اقدامات منعی و اصلاحی، باید حفاظت و

۳-۸. قطعنامه کنگره‌ی آمستردام^{۴۸} (۱۹۷۵)

• کنگره در قطعنامه خود تدوین قوانین و مقررات ویژه-ای که ساختمان‌های جدید در بافت‌های قدیم را ملزم به رعایت محدودیت‌های معینی کند، مقررات مربوط به حجم (ارتفاع بناها، ضابطه‌های سطح اشغال زمین)، مکان‌یابی بناها، به شکلی برخوردار از هماهنگی را توصیه می‌کند (حییبی و مقصودی، ۱۳۸۶).

• همچنین بیان می‌کند: "از آنجا که بناهای جدید امروزی میراثی برای آینده خواهند بود، هر اقدامی می‌بایست (این نکته) را تضمین نماید که معماری معاصر برخوردار از کیفیت بالایی است" (Congress on the European Architectural Heritage, 1975).^{۴۹}

۳-۹. توصیه‌نامه‌ی پیرامون نقش امروزی و

حراست از محدوده‌های تاریخی^{۵۰} (۱۹۷۶)

• در بخش چهارم از اصول کلی ذکر می‌کند: "محدوده‌های تاریخی و محیط اطراف آنها باید به‌طور فعالانه در مقابل انواع آسیب‌ها حفاظت شوند، خصوصاً آسیب‌های ناشی از بهره‌گیری نامتناسب، الحاقات غیرضروری و تغییرات ناآگاهانه و اشتباهی که به صحت و اصالت آنها، آسیب می‌زند و همچنین خسارات ناشی از هر نوع آلودگی" (UNESCO, 1976).^{۵۱}

• و نیز در بخش پنجم از اصول کلی خود بیان می‌کند: "در شهرسازی نوین که منجر به افزایش قابل توجه میزان و تراکم ساختمان‌ها می‌شود، جدای از خطر تخریب مستقیم محدوده‌های تاریخی، این خطر جدی نیز وجود دارد که محدوده‌های جدیداً توسعه یافته، به محیط و ویژگی محدوده‌های تاریخی مجاور نیز آسیب برساند. معماران و شهرسازان باید دقت کنند که چشم‌انداز و منظره‌ی بناها و محدوده‌های تاریخی، خراب نشود و محدوده‌های تاریخی به طریقی همساز و هماهنگ، با زندگی معاصر تلفیق و ترکیب شوند" (Ibid).^{۵۲}

۳-۱۰. رهنمودهای مدیریت برای محوطه‌های

میراث فرهنگی جهان^{۵۳} (۱۹۸۳)

در دستورالعمل‌های پیشنهادی بیان می‌شود که بنای جدید باید مشخصه‌های زیر را داشته باشد:

- ریتم و آهنگی که با ریتم شهری و الگوی مورفولوژیکی بافت اطراف آن هماهنگی داشته باشد؛

- جرم آن در تعادل با بافت باشد، نه آنقدر بزرگ که مقیاس انسانی مرکز تاریخی را از بین ببرد و نه بر اساس ترکیب مصنوعی چند قطعه زمین به منظور بهره‌برداری

نگهداری از دارایی‌های فرهنگی در مقابل کارها و فعالیت‌های عمومی و خصوصی باشد که احتمال دارد به اینگونه دارایی‌ها آسیب برسانند و یا موجب تخریب آنها شوند؛ مانند توسعه شهری و پروژه‌های نوسازی. اگر چه در پروژه‌های مذکور، بناهای فهرست شده، حفظ می‌شوند ولی گاهی اوقات، ساختارهای کم‌اهمیت‌تر از میان می‌روند و در نتیجه، ارتباط‌های تاریخی و وضعیت محله‌های تاریخی، از بین می‌رود" (Ibid).^{۴۰}

۳-۵. توصیه‌نامه حفاظت ملی میراث فرهنگی و

طبیعی^{۴۱} (۱۹۷۲)

• توصیه‌نامه در بخش ۲۳ از اقدامات و روش‌های علمی و فنی خود بیان می‌کند "کارهایی که در مورد میراث فرهنگی انجام می‌شود، باید به گونه‌ای باشد که ظاهر سنتی آنها را حفظ کند و مانع هرگونه ساخت‌وساز و تغییر شکلی باشد که ممکن است به ارتباط حجم و رنگ آن با محیط اطرافش، آسیب برساند" (UNESCO, 1972).^{۴۲}

۳-۶. قطعنامه سمپوزیوم وارد کردن معماری

معاصر در مجموعه بناهای باستانی^{۴۳} (۱۹۷۲)

• این سمپوزیوم در قطعنامه خود متذکر می‌شود که معماری لزوماً نماد عصر خود بوده و توسعه آن مداوم است؛ و می‌بایست بازتاب و نمود گذشته، حال و آینده آن را یک کل واحد تلقی، و از هماهنگی آن به طور دایم مراقبت کرد. "اینگونه معماری معاصر، با بهره‌گیری سنجیده از فنون و مصالح امروزی، خود را در مکان‌های باستانی به طرز متناسبی جای خواهد داد بدون آنکه بر کیفیت‌های ساختاری و زیبایی‌شناختی آن تأثیر گذارد، البته مشروط بر آنکه به بهره‌گیری متناسب از حجم، مقیاس، ریتم و جلوه ظاهری توجه کافی شود" (ICOMOS, 1972).^{۴۴}

• همچنین بیان می‌کند "اصالت یادمان‌ها یا مجموعه بناهای تاریخی باید معیاری بنیانی تلقی شود و باید از هر نوع تقلید که بر ارزش هنری و تاریخی آنها اثر می‌گذارد اجتناب شود" (Ibid).^{۴۵}

۳-۷. منشور میراث معماری اروپا^{۴۶} (۱۹۷۵)

• این منشور به این نکته توجه می‌کند که "حفظ یکپارچه آثار به معنای عدم به‌کارگیری معماری مدرن در محدوده‌های با ساختمان تاریخی نیست، مشروط بر آنکه بافت، تناسب‌ها، صورت‌ها، اندازه‌ها و مقیاس‌های موجود کاملاً رعایت شوند و از مواد و مصالح سنتی در انجام مرمت بهره‌گرفته شود" (Council of Europe, 1975).^{۴۷}

برای یک کارکرد خاص؛

- حدود خیابان مشخص باشد؛ نما با توجه به خصوصیات و نماهای بومی-سنتی ساخته شود؛ موادی که سنتی و یا سازگار با مواد سنتی هستند، مورد استفاده قرار گیرند،
- پنجره‌های مشابه و نسبت دیوار به ساختمان‌ها رعایت شود؛
- در طراحی و ساخت، کیفیت مطلوب بوده، از تناسب دقیق، برجسته‌کاری روی نما و گچ‌کاری استفاده شود. عوامل مربوط به فضای شهری، تولید مجدد یک ساختمان از بین رفته را به ندرت توجیه می‌کنند. به طور کلی چنین راه‌حل‌هایی به‌عنوان معماری تقلیدی به حساب می‌آیند (Feildenand Jokilehto, 1993).

۱۱-۳. عهدنامه حفاظت از میراث معماری

اروپا^{۵۴} (۱۹۸۵)

• بخش دوم از ماده چهارم این عهدنامه بیان می‌کند "هریک از طرفین متعهد می‌شوند که از بدنام کردن، تخریب و یا انهدام دارایی‌های حفاظت شده جلوگیری کنند. بدین منظور، هر یک از طرفین (چنانچه تاکنون اقدامی نکرده‌است) متعهد می‌شوند تا قوانینی به شرح زیر وضع کنند:

الف) قوانینی که مقرر می‌دارد هر طرح مربوط به انهدام یا ایجاد تغییر در بناهای حفاظت شده و یا بناهایی که موضوع حفاظت از آنها نزد مراجع رسمی، طرح شده‌است و همچنین طرح‌هایی که محیط اطراف بناهای مذکور را تحت تأثیر قرار می‌دهند می‌بایستی به مقامات صالحه ارجاع داده‌شوند؛

ب) قوانینی که مقرر می‌دارد هر طرحی که وضعیت مجموعه ساختمان یا بخشی از آن و یا وضعیت یک محوطه را به یکی از اشکال زیر تحت تأثیر قرار می‌دهد می‌بایستی به مقامات صالحه ارجاع داده‌شود:

- طرح‌های مربوط به انهدام ساختمان‌ها؛

- طرح‌های مربوط به احداث ساختمان‌های جدید؛

- طرح‌های مربوط به انجام تغییرات اساسی که به خصوصیات ساختمان و یا محوطه آسیب برساند" (CouncilofEurope, 1985).^{۵۵}

۱۲-۳. منشور واشنگتن: حفاظت از شهر

تاریخی^{۵۶} (۱۹۸۷)

• این منشور در بخش دهم از روش‌ها و ابزارها خود توصیه می‌کند "هنگامی که ساخت بناهای جدید و یا سازگاری بناهای موجود ضروری باشد، آرایش فضایی موجود را باید

رعایت کرد، مخصوصاً از لحاظ مقیاس و اندازه قطعات زمین" (ICOMOS, 1987).^{۵۷}

۱۳-۳. منشور مراقبت از شهرها و مناطق تاریخی

ایالات متحده آمریکا^{۵۸} (۱۹۹۲)

• اصل یازدهم این منشور متذکر می‌شود "هنگامی که ساخت بناهای جدید یا سازگار کردن بناهای موجود ضرورت می‌یابند، مقیاس و ساختار فضایی فعلی یک مکان، و همچنین ارتباط هر بنا یا مکان با محیط بزرگ‌تر اطراف آن را باید رعایت کرد و محترم شمرد. از ارایه طرح‌های متناسب معاصر، که با محیط اطراف نیز هماهنگ باشد نباید جلوگیری کرد. این بناهای افزوده شده، چنانچه به طرز مناسبی طراحی شده باشند، یک محدوده تاریخی را پرمایه می‌کنند و روح تازه‌ای در آن می‌دمند، و به همین ترتیب موجب تداوم فرهنگی جامعه می‌شوند" (ICOMOS, 1992).^{۵۹}

۱۴-۳. منشور استرالیا برای حفاظت از مکان‌های

عمده فرهنگی- منشور بورا^{۶۰} (۱۹۹۶)

• در ماده‌ی هشتم خود بیان می‌کند "حفاظت، مستلزم نگهداری از موقعیت بصری متناسب مانند صورت، مقیاس، رنگ، بافت و مصالح است. هر نوع ساخت‌وساز جدید، تخریب یا تبدیل که به‌طور جدی بر چنین موقعیتی تأثیرگذارد و بنابراین بر درک و لذت از یک از مکان تأثیرگذار باشد، نباید نادیده گرفته‌شود" (ICOMOS, 1996).^{۶۱}

۱۵-۳. منشور گردشگری فرهنگی- مدیریت

گردشگری در اماکن باهویت میراث^{۶۲} (۱۹۹۹)

• این منشور در بند پنجم از ماده دوم خود توصیه می‌کند "برنامه‌های زیرساخت‌سازی و گسترش صنعت گردشگری، باید جنبه‌های زیبایی، اجتماعی و فرهنگی، همچنین جلوه‌های فرهنگی و طبیعی، زیست‌محیطی و تجلی نمودهای فرادست میراث را در نظر بگیرند. استفاده از مواد و مصالح بومی، سبک‌ها و یا حتی آداب و سنن محلی ارجحیت خواهند داشت" (ICOMOS, 1999).^{۶۳}

۱۶-۳. یادداشت جهانی و معماری معاصر:

مدیریت کردن منظر طبیعی- شهری تاریخی^{۶۴} (۲۰۰۵)

• این یادداشت در ماده ۲۱ خود متذکر می‌شود "در برنامه‌های شهری، معماری معاصر و حفاظت از منظر طبیعی- شهری تاریخی، از هرگونه طراحی شبه تاریخی، به طوری که هم طراحی‌های مشابه تاریخی و هم طراحی‌های مشابه معاصر را انکار می‌کند، می‌بایست اجتناب کنند. یک منظره تاریخی نباید توسط منظره‌های دیگر جایگزین شود،

چراکه تاریخ باید خوانا باقی بماند و این در حالی است که پیوستگی فرهنگی از طریق مداخلات کیفی، هدف نهایی (این گونه برنامه‌ها) می‌باشد" (UNESCO, 2005), ۶۵.

نتیجه‌گیری

اگرچه هر یک از تئوری‌های عنوان شده توسط نظریه‌پردازان، به‌طور کلی به روش‌های حفاظتی در بناهای تاریخی اشاره می‌کنند، اما این نظریه‌ها می‌توانند جهت طرح شیوه‌های پیشنهادی به‌منظور حضور ساختارهای جدید در بسترهای تاریخی تفسیر گردیده و به‌کار روند. هرچند هیچگاه نظریه مشخصی از لودوک در خصوص ساخت بناهای جدید مطرح نشد اما وی با هدف یکپارچه کردن بناهای تاریخی، معتقد به تکمیل یا ساخت بنایی فرسوده و یا ناتمام باقی مانده به صورت اولیه کالبدی آن بود. در مقابل این نگاه افراطی لودوک؛ راسکین بر عدم دخالت در بنای تاریخی با هدف طی کردن فرآیند طبیعی فرسایش تأکید می‌کند و توسعه‌نا را به صورت بخشی از یک فرآیند پیوسته لازم می‌داند. در دوره‌های بعد و در خصوص مداخلات جدید در زمینه‌های تاریخی بلترامی با اعتقاد به مرمت علمی، ساخت‌وساز را بر مبنای اصول کهن، و تنها مشروط به وجود مدارک لازم در مورد موجودیت اولیه آنها مجاز می‌داند؛ اما در مقابل بویی‌تو افزودن بناهای جدید به بناهای تاریخی را، با هدف کارترشدن بناهای گذشته لازم دانسته و با پیشنهاد ساخت موزه‌ای به منظور نمایش بخش‌های قدیمی بنا، در داخل یا نزدیک بنای مورد مداخله، در حقیقت حضور بنای جدیدی را، جهت رفع نیازهای جدید در دوران معاصر، در مجاورت بنای تاریخی جایز می‌داند. همچنین وی در مداخلات جدید به عدم تقلید از سبک‌های معماری گذشته و ایجاد تفاوت بین سبک جدید و قدیم اعتقاد دارد، همان‌طور که سیت، معتقد به تلفیق بناهای جدید و قدیم با رعایت الفبای مرمت است، الفبایی که از طریق بررسی بافت‌های قدیمی و فضاهای کهن به دست می‌آید و می‌تواند راهنمای مناسبی برای معماران عصر حاضر باشد.

اما اولین فردی که نظریات مدون خود را در مورد ساختارهای جدید مطرح می‌سازد، جیوانوننی است. جیوانوننی بر عدم ساخت بنای مدرن در کنار بنای تاریخی، به دلیل اهانت به سبک آن تأکید و در عین حال، اخذ سبک بنای تاریخی و ارائه آن به صورت ساده و خلاصه شده، به گونه‌ای که خود سبک جدیدی را پدید نیآورد را توصیه می‌کند. تمام گفته‌ها و تجربیات او در طی سال‌های قبل از کنفرانس آتن در اذهان اصحاب فرهنگ، معماران و باستان‌شناسان اثر گذاشته بود، و سرانجام توانست در وضع و تدوین کنگره بین‌المللی آتن، نقش و تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

در پی منشور آتن و با وجود تلاش‌های بسیار و آرا و نظریات متفاوتی که از اوایل قرن نوزدهم در باب مرمت و حفظ ابنیه کسب گردید، به تدریج زمینه‌ی مساعدی برای تدوین ضوابط و مقررات بین‌المللی فراهم گشت. جدول زیر رویکرد و توصیه هر یک از توافق‌نامه‌های بین‌المللی مورد ذکر را در ارتباط با حضور ساختارهای جدید در زمینه تاریخی به طور خلاصه ارائه می‌دهد.

رویکرد توافق‌نامه‌های بین‌المللی به حضور ساختارهای جدید در زمینه تاریخی (منبع: نگارندگان)

• حفظ خصوصیت منطقه شهری و چشم‌اندازهای زیبا • عدم استفاده از سبک‌های گذشته • لحاظ کردن بنایی خنثی و فاقد جاذبه‌ای خاص، به‌طوری که بر حجم، رنگ و فرم بناهای اطراف غلبه نکند	اولین کنگره بین‌المللی معماران و کاردانان فنی یادمان‌های تاریخی- منشور آتن	۱۹۳۱
• رعایت مقتضیات زیبایی‌شناختی، به‌طوری که ضمن هماهنگی با بناهای اطراف از فرم‌های سنتی تقلید نکند • حفظ چشم‌اندازهای زیبا	توصیه‌نامه حفظ و حراست زیبایی و ویژگی چشم‌اندازها و محوطه‌ها	۱۹۶۲
• عدم دگرگونی رابطه‌های بین جرم و رنگ • عدم صدمه به قسمت‌های جالب توجه بنای تاریخی، فضای سنتی، تعادل اجزا و رابطه آن با محیط اطرافش، ضمن الحاق به بنای تاریخی	منشور بین‌المللی حفاظت و مرمت یادمان‌ها و محوطه‌ها- منشور ونیز	۱۹۶۴
• اعمال نظارت بر نوع و طرح ساختارهای جدید، در قالب ضوابط حفظ محیط اطراف محله‌های تاریخی • حفظ فضاهای تاریخی و وضعیت محله‌های تاریخی	توصیه‌نامه حفاظت از دارایی‌های فرهنگی که از سوی فعالیت‌های عمومی و خصوصی در معرض خطر قرار گرفته‌اند	۱۹۶۸
• عدم آسیب‌رسانی به ارتباط حجم و رنگ میراث فرهنگی با محیط اطرافش	توصیه‌نامه حفاظت ملی میراث فرهنگی و طبیعی	۱۹۷۲

<ul style="list-style-type: none"> • لزوم توجه به معماری به عنوان نماد عصر خود • استفاده از فنون و مصالح سنتی • توجه به حجم، مقیاس، ریتم و جلوه ظاهری؛ به طوری که بر کیفیت‌های ساختاری و زیبایی شناختی مکان‌های باستانی تأثیر نگذارد • اجتناب از هر گونه تقلید که بر ارزش هنری و تاریخی بناهای تاریخ اثر می‌گذارد 	<p>۱۹۷۲</p> <p>قطعه‌نامه سمپوزیوم وارد کردن معماری معاصر در مجموعه بناهای باستانی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • استفاده از معماری مدرن، مشروط بر رعایت بافت، تناسب‌ها، صورت‌ها، اندازه‌ها و مقیاس‌های موجود 	<p>۱۹۷۵</p> <p>منشور میراث معماری اروپا</p>
<ul style="list-style-type: none"> • تدوین قوانین و مقررات مربوط به حجم (ارتفاع بناها، ضابطه‌های سطح اشغال زمین)، مکان‌یابی بناها، به شکلی هماهنگ • برخورداری معماری معاصر از بالاترین کیفیت موجود 	<p>۱۹۷۵</p> <p>قطعه‌نامه کنگره آمستردام</p>
<ul style="list-style-type: none"> • عدم آسیب رساندن به اصالت بناهای تاریخی با اجتناب از الحاقات غیر ضروری • عدم آسیب رساندن به ویژگی‌ها، چشم اندازه‌ها و منظره‌ی محوطه تاریخی • تلفیق و ترکیب همساز و هماهنگ. 	<p>۱۹۷۶</p> <p>توصیه‌نامه‌ی پیرامون نقش امروزی و حراست از محدوده‌های تاریخی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • هماهنگ با ریتم شهری و الگوی مورفولوژیکی بافت • تعادل جرم بنای جدید در بافت • توجه به خصوصیات و نماهای بومی - سنتی در طراحی نما • استفاده از مصالح سنتی و یا سازگار با مصالح سنتی • عدم توجیه‌پذیری معماری تقلیدی 	<p>۱۹۸۳</p> <p>رهنمودهایی برای محوطه‌های میراث فرهنگی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • وضع قوانینی جهت طرح‌های مربوط به احداث ساختمان‌های جدید و طرح‌هایی که محیط اطراف بناهای تاریخی را تحت تأثیر قرار می‌دهند 	<p>۱۹۸۵</p> <p>عهدنامه حفاظت از میراث معماری اروپا</p>
<ul style="list-style-type: none"> • رعایت آرایش فضایی موجود، مخصوصاً از لحاظ مقیاس و اندازه قطعات زمین 	<p>۱۹۸۷</p> <p>منشور واشنگتن: حفاظت از شهر تاریخی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • احترام به مقیاس و ساختار فضایی یک مکان و همچنین ارتباط هر بنا یا مکان با محیط بزرگ‌تر اطراف آن • عدم جلوگیری از طرح‌های متناسب معاصر و هماهنگ با محیط اطراف 	<p>۱۹۹۲</p> <p>منشور مراقبت از شهرها و مناطق تاریخی ایالات متحده آمریکا</p>
<ul style="list-style-type: none"> • عدم تأثیر گذاری بر موقعیت بصری متناسب مانند مقیاس، رنگ، بافت و مصالح 	<p>۱۹۹۶</p> <p>منشور استرالیا برای حفاظت از مکان‌های عمده فرهنگی - منشور بورا</p>
<ul style="list-style-type: none"> • در نظر گرفتن جنبه‌های زیبایی، اجتماعی و فرهنگی، همچنین جلوه‌های فرهنگی و طبیعی، زیست‌محیطی و تجلی نموده‌های فرادست میراث • ارجحیت استفاده از مواد و مصالح بومی، سبک‌ها 	<p>۱۹۹۹</p> <p>منشور گردشگری فرهنگی - مدیریت گردشگری در اماکن باهویت</p>
<ul style="list-style-type: none"> • عدم به کارگیری طراحی‌های شبه تاریخی • پیوستگی فرهنگی از طریق مداخلات کیفی 	<p>۲۰۰۵</p> <p>یادداشت میراث جهانی و معماری معاصر: مدیریت منظر طبیعی - شهری تاریخی</p>

با بررسی توافق‌نامه‌های بین‌المللی می‌توان این‌گونه بیان کرد، که به طور کلی نه‌تنها هیچ یک از این اسناد، حضور معماری معاصر را منع نکرده‌اند، بلکه حضور ساختارهای جدید را در زمینه‌ی تاریخی سبب تداوم تاریخ و غنا یافتن محیط‌های تاریخی دانسته‌اند. اما همگی بر این موضوع اشاره و بر آن تأکید داشته‌اند که حضور ساختارهای جدید نباید محیط اطراف را تحت تأثیر قرار دهد و باید به گونه‌ای باشند که ضمن توجه و در نظر گرفتن حجم، رنگ، شکل، تناسب، مقیاس و مصالح وجود، بر بناهای اطراف غلبه نکرده و به چشم‌اندازها و دیدهای بااهمیت آسیب نرسانند. این رویکرد می‌تواند با ایجاد بنایی مدرن و یا بنایی با اقتباس از بناهای اطراف ایجاد شود، اما آنچه که باید به آن توجه داشت عدم تقلید صرف از بناهای تاریخی و سبک‌های گذشته است؛ به طوری که ضمن سازگاری با بناهای تاریخی و احترام به خصوصیت آنها، از سبک‌هایی که بیان‌کننده روح زمان خود هستند بهره‌برده شود. این‌گونه می‌توان ساختاری را خلق کرد که به عنوان «میراثی برای آینده» بهترین معرفی از معماری زمان خود باشد.

پس نوشت‌ها

1. New Constructions
2. Extension
3. Development
4. Land Amalgamation
5. Infill Building
6. Addition
7. Eugen Viollet le Duc (1814-1879)
8. John Ruskin (1818-1900)

9. Restoration
10. Conservation
11. Conservation Movement

۱۲. «جنبش حفاظت مدرن» با هدایت دو متفکر به نام‌های جان راسکین و ویلیام موریس آغاز گر فرآیندی بود که در آن اندیشه‌های جدیدی جایگزین رویکردها و سیاست‌های غالب اواسط قرن نوزدهمی، به ویژه تفکر به حمایت، حفظ و نگهداشت صرف ساختمان‌های منفرد و ابنیه‌های یادمانی گردید (ایزدی، ۱۳۸۸). انجمن حمایت از بناهای باستانی (SPAB= The Society for the Protection of Ancient Buildings) در سال ۱۸۷۷ میلادی توسط ویلیام موریس رسماً تأسیس شد. انجمن مزبور نقش مهمی در وحدت نیروها بر علیه انجام مرمت‌های مبتنی بر حدس ایفا می‌کرد و مراقبت و درمان محافظه کارانه را تا حد امکان رواج می‌داد. اصول بنیادین این انجمن عبارت بود از «تعمیر محافظه کارانه» و «پیشگیری از فرسودگی اثر با مراقبت روزانه». مانیفست انجمن SPAB در سال ۱۹۰۳ میلادی شروع تحولات نوین حفاظت به ویژه در انگلستان بود و توانست به سرعت تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در ماورای انگلستان و در دیگر کشورها داشته باشد (یوکیلتو، ۱۳۸۷).

۱۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص اصول مطرح شده توسط جان راسکین مراجعه شود به:

حیبی، سید محسن و ملیحه مقصودی؛ ۱۳۸۶؛ **مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری**؛ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران؛ چاپ سوم.

14. Camillo Boito (1836-1914)
15. Philological Restoration

۱۶. این نام در واقع از تعریف لاتین «یادمان»، به عنوان یک «سند» یا «کتیبه» گرفته شده است. از این دیدگاه، یک یادمان از آن رو ساخته شده تا پیامی را منتقل کند و به ذات خود، یک سند شمرده می‌شود. متن آن نیز به منزله منبعی برای تأیید تاریخ شمرده می‌شود که البته باید تحلیل و تعبیر شود و هرگز نباید به غلط خوانده یا سوء تعبیر گردد (یوکیلتو، ۱۳۸۷، ص ۲۲۱).

17. Camillo Sitte (1843-1903)
18. Luca Beltrami (1854-1933)
19. Historical Restoration
20. Gustavo Giovannoni (1873-1947)
21. Scientific Restoration
22. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)
23. International Council of Museums (ICOM)
24. International Center for the Study of the Preservation and the restoration of Cultural Property (ICCROM)
25. International Council on Monuments and Sites (ICOMOS)
26. Convention
27. Recommendation
28. Charter
29. Resolution
30. The Athens Charter for the Restoration of Historic Monuments- Adopted at the First International Congress of Architects and Technicians of Historic Monuments
31. The Conference recommends that, in the construction of buildings, the character and external aspect of the cities in which they are to be erected should be respected, especially in the neighbourhood of ancient monuments, where the surroundings should be given special consideration. Even certain groupings and certain particularly picturesque perspective treatment should be preserved.
32. Recommendation Concerning the Safeguarding of the Beauty and Character of Landscapes and Sites
33. Preventive measures should be aimed at protecting sites from dangers which may threaten them. These measures should include, in particular, the supervision of works and activities likely to damage landscapes and sites, for example:
The construction of all types of public and private buildings. These should be designed so as to meet certain aesthetic requirements in respect of the building itself and, while avoiding a facile imitation of certain traditional and picturesque forms, should be in harmony with the general atmosphere which it is desired to safeguard.
34. International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites- The Venice Charter
35. Article 6. The conservation of a monument implies preserving a setting which is not out of scale. Wherever the traditional setting exists, it must be kept. No new construction, demolition or modification which would alter the relations of mass and color must be allowed.
36. Article 13. Additions cannot be allowed except in so far as they do not detract from the interesting parts of the building, its traditional setting, the balance of its composition and its relation with its surroundings.
37. Recommendation Concerning the Preservation of Cultural Property Endangered by Public or Private Works
38. Historic quarters in urban or rural centers and groups of traditional structures should be zoned and appropriate regulations adopted to preserve their setting and character, such as the imposition of controls on the degree to which historically or artistically important structures can be renovated and the type and design of new structures which can be introduced
39. Preventive and corrective measures should be aimed at protecting or saving cultural property from public or private works likely to damage and destroy it, such as:
Urban expansion and renewal projects, although they may retain scheduled monuments while sometimes removing less important structures, with the result that historical relations and the setting of historic quarters are destroyed.

40. Recommendation Concerning the Protection, at National Level, of the Cultural and Natural Heritage
 41. Any work done on the cultural heritage should aim at preserving its traditional appearance, and protecting it from any new construction or remodeling which might impair the relations of mass or color between it and its surroundings.
 42. Resolutions of the Symposium on the Introduction of Contemporary Architecture into Ancient Groups of Buildings
 43. Such contemporary architecture, making deliberate use of present-day techniques and materials, will fit itself into an ancient setting without affecting the structural and aesthetic qualities of the latter only in so far as due allowance is made for the appropriate use of mass, scale, rhythm and appearance.
 44. The authenticity of historical monuments or groups of buildings must be taken as a basic criterion and there must be avoidance of any imitations which would affect their artistic and historical value.
 45. European Charter of the Architectural Heritage
 46. It should be noted that integrated conservation does not rule out the introduction of modern architecture into areas containing old buildings provided that the existing context, proportions, forms, sizes and scale are fully respected and traditional materials are used.
 47. The Declaration of Amsterdam
 48. Since the new buildings of today will be the heritage of tomorrow, every effort must be made to ensure that contemporary architecture is of a high quality.
 49. Recommendation Concerning the Safeguarding and Contemporary Role of Historic Areas
 50. Historic areas and their surroundings should be actively protected against damage of all kinds, particularly that resulting from unsuitable use, unnecessary additions and misguided or insensitive changes such as will impair their authenticity, and from damage due to any form of pollution.
 51. In the conditions of modern urbanization, which leads to a considerable increase in the scale and density of buildings, apart from the danger of direct destruction of historic areas, there is a real danger that newly developed areas can ruin the environment and character of adjoining historic areas. Architects and town-planners should be careful to ensure that views from and to monuments and historic areas are not spoiled and that historic areas are integrated harmoniously into contemporary life.
- ۵۲ Management Guidelines for World Cultural Heritage Sites - در سال ۱۹۸۳ در شهر رم اجلاس مشترکی توسط ایکروم و ایکوموس با همکاری «بخش میراث فرهنگی یونسکو» برگزار و نتایج حاصله در سال ۱۹۹۳ به شکل رهنمودهایی برای محوطه‌های میراث فرهنگی منتشر شد. ایکروم در قسمتی از بخش نهم کتاب راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی با عنوان «برنامه-ریزی شهری و شهرهای دارای آثار باستانی در جهان» ماحصل حدود ده سال همکاری متخصصان حفاظتی و مدیران میراث جهانی کشورهای مختلف جهان را در معرض استفاده همگان قرار داده است.
53. Convention for the Protection of the Architectural Heritage of Europe
 54. To prevent the disfigurement, dilapidation or demolition of protected properties. To this end, each Party undertakes to introduce, if it has not already done so, legislation which:
 - a. requires the submission to a competent authority of any scheme for the demolition or alteration of monuments which are already protected, or in respect of which protection proceedings have been instituted, as well as any scheme affecting their surroundings;
 - b. requires the submission to a competent authority of any scheme affecting a group of buildings or a part thereof or a site which involves
 - demolition of buildings
 - the erection of new buildings
 - Substantial alterations which impair the character of the buildings or the site.
 55. Washington Charter: Conservation of Historic Town
 56. When it is necessary to construct new buildings or adapt existing ones, the existing spatial layout should be respected, especially in terms of scale and lot size.
The introduction of contemporary elements in harmony with the surroundings should not be discouraged since such features can contribute to the enrichment of an area.
 57. A Preservation Charter for the Historic Towns and Areas of the U.S.
 58. When it is necessary to construct new buildings or to adapt existing ones, the existing scale and spatial structure of the place must be respected, as well as the relationship of each building or place to its larger setting. The introduction of appropriate contemporary design, in harmony with its surroundings, should not be discouraged. Such contemporary additions, when appropriately designed, enrich and enliven a historic area and provide as well a measure of cultural continuity.
 59. The Australia ICOMOS Charter for the Conservation of Places of Cultural Significance- The Burra Charter
 60. Conservation requires the maintenance of an appropriate visual setting, e.g. form, scale, colour, texture and materials. No new construction, demolition or modification which would adversely affect the settings which adversely affect appreciation or enjoyment of the place should be excluded.
 61. International Cultural Tourism Charter
 62. Tourism development and infrastructure projects should take account of the aesthetic, social and cultural dimensions, natural and cultural landscapes, bio-diversity characteristics and the broader visual context of heritage places. Preference should be given to using local materials and take account of local architectural styles or vernacular traditions.
 63. Memorandum on World Heritage and Contemporary Architecture: Managing the Historic Urban Landscape

64. Urban planning, contemporary architecture and preservation of the historic urban landscape should avoid all forms of pseudo-historical design, as they constitute a denial of both the historical and the contemporary alike. One historical view should not supplant others, as history must remain readable, while continuity of culture through quality interventions is the ultimate goal.

فهرست منابع

۱. ایزدی، محمد سعید؛ ۱۳۸۸؛ **مروری بر سیر تکاملی اندیشه‌ها، رویکردها و برنامه‌های نوین حفاظت و باززنده‌سازی اماکن تاریخی و فرهنگی در جهان**؛ همایش شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی؛ تهران: موزه ملی.
۲. ترک زبان، شقایق و اصغر محمدمردادی؛ ۱۳۹۰؛ **ضوابط طراحی معماری در بافت‌های تاریخی**؛ نشریه شهر و معماری بومی؛ شماره ۱؛ زمستان ۱۳۹۰.
۳. حی، رو، پیتر؛ ۱۳۸۴؛ **گفتگوی جهانی: طراحی شهری در بافت‌های تاریخی در زمان حاضر**؛ مجله آبادی، شماره ۴۹.
۴. حبیبی، سید محسن و ملیحه مقصودی؛ ۱۳۸۶؛ **مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری**؛ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران؛ چاپ سوم.
۵. صمدی‌رندی، یونس؛ ۱۳۷۶؛ **مجموعه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و معاهدات میراث فرهنگی کشور**؛ تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
۶. فلامکی، محمدمنصور؛ ۱۳۸۶؛ **باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی**؛ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران؛ چاپ ششم.
۷. فیلدن، برنارد و یوکا یوکیلتو؛ ۱۹۹۸؛ **راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی**؛ ترجمه‌ی پیروز خناچی؛ ۱۳۸۶؛ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۸. قدیری، بهرام؛ ۱۳۸۵؛ **ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی**؛ تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۹. یوکیلتو، یوکا؛ ۱۹۹۹؛ **تاریخ حفاظت معماری**؛ ترجمه‌ی محمد حسن طالبیان و خشایار بهادری؛ ۱۳۸۷؛ تهران: روزنه.
10. Congress on the European Architectural Heritage; (1975) the Declaration of Amsterdam; Amsterdam, Icomos.
11. Council of Europe; (1975) European Charter of the Architectural Heritage (the European Charter); Council of Europe.
12. _____; (1985) Convention for the Protection of the Architectural Heritage of Europe; Council of Europe.
13. Guzmán Torres, Zasha N; (2009) Historic Buildings and Contemporary Additions: the Elements of a Cohesive Design Relationship; Directed By: Dr. Donald W. Linebaugh; School of Architecture Planning and Preservation, University of Maryland, College Park.
14. ICOMOS; (1964) International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites (The Venice Charter); Venice, Icomos.
15. _____; (1987) The International Charter for the Conservation of Historic Towns and urban Areas (Washington Charter); Washington, Icomos.
16. _____; (1996) The Australia Icomos Charter for the Conservation of Places of Cultural significance (The Burra Charter); Burra, Icomos.
17. _____; (1972) Resolutions of the Symposium on the Introduction of Contemporary Architecture into Ancient Groups of Buildings; Budapest, Icomos.
18. _____; (1992) A Preservation Charter for the Historic Towns and Areas of the U.S; US, Icomos.
19. _____; (1999) International Cultural Tourism charter; Mexico, Icomos.
20. Feilden, Bernard and Jokilehto, Jukka; (first published 1993) Management Guidelines for World Cultural Heritage Sites; ICCROM, Rome.
21. UNESCO; (1962) Recommendation Concerning the Safeguarding of the Beauty and Character of Landscapes and Sites; Paris, Unesco.
22. _____; (1968) Recommendation Concerning the Preservation of Cultural Property Endangered by Public or Private Works; Paris, Unesco.
23. _____; (1972) Recommendation Concerning the Protection, at National Level, of the Cultural and Natural Heritage; Paris, Unesco.
24. _____; (1976) Recommendation Concerning the Safeguarding and Contemporary Role of Historic Areas; Nairobi, Unesco.
25. _____; (1995) Our Creative Diversity, Report of the World Commission on Cultural and Development, Egoprism, France, Unesco.
26. _____; (2005) Vienna Memorandum on World Heritage and Contemporary Architecture – Managing the Historic Urban Landscape; World Heritage Centre, Paris, Unesco.
27. Warren, J – Worthington, J – Taylor, S; (1998) Context: New Buildings in Historic Settings; Architectural Press, New York.